

درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی خاورمیانه

دکتر خلیل‌اله سردارنیا

دانشیار علوم سیاسی دانشگاه شیراز



سرشناسه: سردار رنیا، خلیل الله، ۱۳۳۲
 عنوان و نام پدیدآور: درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی خاورمیانه /
 خلیل الله سردار رنیا
 مشخصات نشر: تهران: خنجر میزان، ۱۳۹۲
 مشخصات ظاهری: ۳۳۶ ص.
 فروست: علوم اجتماعی؛ ۷۰۸
 شابک: 978-964-511-507-2
 وضعیت فهرست نویسی: فیپا
 موضوع: جامعه‌شناسی سیاسی -- خاورمیانه
 رده‌بندی کنگره: ۴۳۰۴۳ س ۷۶ JA
 رده‌بندی دیویی: ۳۰۶/۲۰۹۵۶
 شماره کتابشناسی ملی: ۳۲۱۵۱۷۹

هرگونه تکثیر (اعم از چاپ، کپی، ذیل الکترونیکی و...) از این اثر بدون اخذ مجوز
 از ناشر خلاف قانون بوده و پیگرد قانونی دارد.
 لطفاً در صورت مشاهده، موارد را به شماره تلفن‌های ذیل اطلاع دهید.

۷۰۸
 نشر میزان
 درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی خاورمیانه
 دکتر خلیل الله سردار رنیا
 چاپ اول: زمستان ۱۳۹۲
 قیمت: ۱۳۰۰۰ تومان
 شمار: ۵۰۰۰ نسخه
 شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۹۱-۵۰۷-۲

دفتر مرکزی: خ شهید بهشتی، بعداز چهارراه سهروردی، خ کاووسی‌فر، کوچه نکبسا، پلاک ۳۲، تلفن ۸۵۴۹۱۳۱
 فروشگاه مرکزی: خ انقلاب، روبروی درب اصلی دانشگاه تهران، ابتدای خ فخرآزی، پلاک ۸۳، تلفن ۶۶۴۶۷۷۷۰
 واحد بخش و فروش: خیابان سمتیه، بین مفتح و هفرت، پلاک ۱۰۴، تلفن ۸۸۳۴۹۵۲۹-۳۱
 وبسایت الکترونیکی: www.mizannasher@yahoo.com و وبسایت: www.mizan-law.ir

تقدیم به:

تمامی اساتید، دانشجویان و پژوهشگرانی که بدون هیچ چشمداشت مادی و دنیوی، صرفاً برای اعتلای علمی و پیشرفت ایران تلاش کرده و می کنند با این هدف که نه در تاریخ نویسی رسمی بلکه در حافظه تاریخی ملت، جایگاه بایسته و شایسته ای بیابند.

www.ketaboo.ir

فهرست مطالب

پیش‌گفتار.....	۱۱
مقدمه.....	۱۳
بخش نخست: تحلیل جامعه‌شناختی دولت - ملت سازی و خشونت‌ها در خاورمیانه	
فصل نخست: ناسیونالیسم، دولت - ملت سازی و خشونت در خاورمیانه عربی.....	۲۴
مقدمه.....	۲۴
گفتار نخست) بحث نظری اجمالی پیرامون دولت - ملت سازی.....	۲۵
الف) تعریف مفاهیم.....	۲۵
۱. ناسیونالیسم.....	۲۵
۲. قومیت.....	۲۷
۳. دولت - ملت سازی.....	۲۷
ب) توضیح نظری و تاریخی اجمالی.....	۲۸
گفتار دوم) تحلیل تاریخی سه موج ناسیونالیسم در جهان عرب.....	۳۴
الف) موج نخست: ناسیونالیسم عربی در سده ۱۹.....	۳۴
ب) موج دوم: رویارویی ناسیونالیسم عربی با پان ترکیسم و استعمار غرب (از آغاز سده ۲۰ تا دهه ۱۹۵۰).....	۴۰
ج) موج سوم: پان عربیسم فراگیر (۱۹۵۰ تا اواخر دهه ۱۹۶۰).....	۴۳
گفتار سوم) دولت - ملت سازی ناکام، بحران هویت و تنش‌های قومی و مذهبی در خاورمیانه عربی.....	۴۵

الف) مرزبندی‌های مصنوعی و تحمیلی، شکاف‌های قومی و مذهبی و بحران هویت.....	۴۸
ب) دولت‌های بی‌ریشه، غیر دموکراتیک و الیگارشیک.....	۵۳
ج) استمرار وابستگی به قدرت‌های خارجی و عدم تحقق حاکمیت ملی.....	۵۷
د) عدم توسعه ظرفیت‌های مشارکتی و دموکراتیک، ضعف سازوکارهایی ارتباطی و شکاف‌های ایدئولوژیک.....	۵۷
فصل دوم: تحلیل جامعه‌شناختی خشونت‌های مذهبی و قومی در عراق.....	۶۰
مقدمه:.....	۶۰
گفتار نخست) مات مازی تحمیلی، بحران هویت و دولت‌های بی‌ریشه.....	۶۳
گفتار دوم) چیرگی کامل فرهنگ و باورهای قومی - مذهبی بر جریان‌ات و گروه‌های سیاسی و اجتماعی.....	۷۰
گفتار سوم) نبود اجتماع و تعامل بین بازیگران و گروه بندی‌های قومی و مذهبی.....	۷۳
گفتار چهارم) حکمرانی ضعیف و نبود حکومت مقتدر و توانمند.....	۷۷
گفتار پنجم) استمرار حضور نظامی و نقش‌آفرینی منفی نیروهای ائتلاف به رهبری آمریکا.....	۸۳
نتیجه‌گیری.....	۸۶
بخش دوم: تحلیل جامعه‌شناختی موانع دموکراسی در خاورمیانه و شمال آفریقا	
فصل سوم: تحلیلی بر موانع دموکراسی در شیخ‌نشین‌های خلیج فارس.....	۸۸
مقدمه.....	۸۸
گفتار نخست) تاثیر ساختار سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بر عدم تحقق دموکراسی در منطقه.....	۹۱
گفتار دوم) ساختار اقتصاد رانتی و عدم تحقق دموکراسی.....	۱۰۱
نتیجه‌گیری.....	۱۱۱
فصل چهارم: حکومت سعودی و چالش‌های سیاسی آن در چند دهه اخیر.....	۱۱۳
مقدمه:.....	۱۱۳
گفتار نخست) معرفی نظری اجمالی طبقه متوسط جدید.....	۱۱۴

گفتار دوم) طبقه متوسط جدید، جریانات اصلاح طلب و چالش های سیاسی حکومت سعودی.....	۱۱۶
گفتار سوم) نگاهی به مهمترین اقدامات و خواسته های اصلاح طلبانه طبقه متوسط جدید.....	۱۲۱
گفتار چهارم) پاسخ های حکومت به طبقه متوسط جدید.....	۱۲۴
گفتار پنجم) جمع بندی و تحلیل اجمالی بر چرایی محدود بودن اصلاحات.....	۱۲۹
فصل پنجم: حکومت اقتدارگرا و نیروهای اجتماعی در مصر از دهه ۱۹۸۰ به بعد.....	۱۳۵
مقدمه:.....	۱۳۵
گفتار نخست) معرفی اجمالی رویکرد ساختار - کنشگر.....	۱۳۶
گفتار دوم) بررسی اجمالی تعامل حکومت و نیروهای اجتماعی از استقلال تا روی کار آمدن مبارک.....	۱۳۸
گفتار سوم) سازوکارهای دیکتاتری صوری در دوران حکومت حسنی مبارک.....	۱۴۱
الف) انتخابات.....	۱۴۱
ب) کثرت گرایی صوری حزبی - انجمنی و ننگهای ساختاری پیش روی آن.....	۱۴۴
گفتار چهارم) ریشه های ساختاری تداوم اقتدارگرایی و تضعیف کننده کنشگران مدنی در مصر تا سال ۲۰۱۱.....	۱۴۵
گفتار پنجم) استمرار اقتدارگرایی از رهگذر آسیب شناسی کنشگران مدنی تا سال ۲۰۱۱.....	۱۵۰
گفتار ششم) جنبش اجتماعی الکفایه به مثابه نخستین طایفه دار جنبش نسبتاً فراگیر.....	۱۵۲
گفتار هفتم) نتیجه گیری و تبیین اجمالی ریشه های خیزش اجتماعی اخیر و سقوط مبارک.....	۱۵۴
فصل ششم: حقوق شهروندی زنان، موانع و افق های پیش رو در شیخ نشین های خلیج فارس.....	۱۵۸
مقدمه:.....	۱۵۸

- گفتار نخست) موانع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی حقوق شهروندی زنان..... ۱۶۲
- (۱) ساخت پدرشاهی، مردسالارانه و الیگارشیک حکومت و ضعف شدید نهادهای مدنی ۱۶۳
- (۲) ساخت اجتماعی پدرسالار و قبیله‌ای و استمرار فرهنگ تابعیت..... ۱۶۵
- (۳) مخالفت علمای محافظه کار سلفی و اسلام‌گرایان رادیکال..... ۱۶۷
- گفتار دوم) بررسی مصداقی حقوق شهروندی زنان در شیخ‌نشین‌های خلیج فارس..... ۱۶۹
- (۱) عربستان سعودی ۱۷۰
- الف) عدم تبعیض و دسترسی به مراجع و نهادهای قضایی؛ ۱۷۰
- ب) حقوق سیاسی و آزادی‌های مدنی؛ ۱۷۱
- ج) حقوق اجتماعی و فرهنگی؛ ۱۷۱
- (۲) کویت ۱۷۱
- الف) عدم تبعیض و دسترسی به مراجع قضایی و عدالت؛ ۱۷۲
- ب) حقوق سیاسی؛ ۱۷۲
- ج) حقوق اجتماعی و فرهنگی؛ ۱۷۴
- (۳) قطر ۱۷۵
- الف) عدم تبعیض و دسترسی به مراجع قضایی و عدالت؛ ۱۷۵
- ب) حقوق سیاسی؛ ۱۷۵
- ج) حقوق اجتماعی و فرهنگی؛ ۱۷۶
- (۴) بحرین ۱۷۶
- الف) عدم تبعیض و دسترسی به محاکم قضایی و عدالت؛ ۱۷۶
- ب) حقوق سیاسی زنان؛ ۱۷۷
- ج) حقوق اجتماعی و فرهنگی زنان؛ ۱۷۸
- (۵) عمان ۱۷۸
- الف) عدم تبعیض و دسترسی به محاکم قضایی و عدالت؛ ۱۷۹
- ب) حقوق سیاسی زنان؛ ۱۷۹
- ج) حقوق اجتماعی و فرهنگی؛ ۱۸۰

۱۸۰	۶) امارت متحده عربی.....
۱۸۰	الف) عدم تبعیض و دسترسی به محاکم قضایی و عدالت؛.....
۱۸۱	ب) حقوق سیاسی و مدنی؛.....
۱۸۱	ب) حقوق اجتماعی و فرهنگی؛.....
۱۸۲	نتیجه گیری.....

بخش سوم: تحلیل جامعه شناختی اسلامگرایی و انقلابات اخیر در خاورمیانه و شمال آفریقا

۱۸۶	فصل هفتم: جریانات اسلامگرا و اسلام سیاسی در خاورمیانه.....
۱۸۶	مقدمه:.....
۱۸۶	گفتار نخست) گونه شناسی جریانات اسلامگرا.....
۱۸۸	۱) جریان سنت گرا و محافظه کار اسلامی.....
۱۹۰	۲) بنیادگرایان تندرو.....
۱۹۵	۳) جریان نوگرای دینی.....
۲۰۵	۴) اسلامگرایان لیبرال.....
۲۰۶	گفتار دوم) پارادایم واکنشی (نوجوان سوم گرایی).....
۲۱۴	گفتار سوم) پارادایم برخورد تمدنی.....
۲۱۹	گفتار چهارم) نقد و ارزیابی پارادایم واکنشی.....
۲۲۲	گفتار پنجم) نقد و ارزیابی پارادایم برخورد تمدنی.....
۲۲۴	گفتار ششم) دیدگاه اسپوزیتو و جان وال در رد نظریه برخورد تمدنی.....
۲۲۹	گفتار هفتم) دیدگاه کافی حافظ در رد نظریه برخورد تمدنی.....
۲۳۰	گفتار هشتم) عدم تایید تجربی پارادایم برخورد تمدنی.....
۲۳۵	نتیجه گیری.....
۲۳۷	فصل هشتم: چالش های سیاسی - اقتصادی حکومتها در خاورمیانه و شمال آفریقا.....
۲۳۷	مقدمه:.....
۲۳۸	گفتار نخست) چالش های سیاسی.....
۲۵۲	۱) چالش های جمعیتی.....

۲۵۶.....	۲) توسعه نیافتگی یا کمتر توسعه یافتگی اقتصادی - اجتماعی
۳۶۰.....	۳) بیکاری و کمبودها در نیازهای ضروری زندگی
۲۶۳.....	۴) افزایش هزینه‌های نظامی
۲۶۷.....	نتیجه‌گیری
	فصل نهم: تحلیل جامعه شناختی جنبش‌های اجتماعی اخیر در خاورمیانه و شمال
۲۶۹.....	آفریقا
۲۶۹.....	مقدمه:
	گفتار نخست) کنکاش تحلیلی در ارتباط با ریشه‌های سیاسی - جامعه شناختی
۲۷۱.....	جنبش‌های اجتماعی اخیر
۲۷۲.....	الف) ریشه‌های سیاسی جنبش‌های اجتماعی اخیر
۲۷۲.....	۱. ساعت قدرت سیاسی اقتدارگرا، سرکوبگر، موروثی و الیگارشیک
۲۷۴.....	۲. هژمونی حزب حاکم و اعمال محدودیت‌های شدید بر نهادهای مدنی
۲۸۰.....	۳. کلاپتالیسم و فساد گسترده
۲۸۴.....	۴. وابستگی به قدرت‌های خارجی
۲۸۵.....	گفتار دوم) تاثیر نارضایتی‌های اقتصادی - اجتماعی بر جنبش‌های اجتماعی اخیر
۲۹۱.....	گفتار سوم) ویژگی‌های جنبش‌های اجتماعی اخیر در جهان عرب
۲۹۲.....	۱. فراگیر بودگی جنبش‌ها
۲۹۳.....	۲. بسیج نسبتاً خودانگیخته توده‌ها و جوانان
۲۹۷.....	گفتار چهارم) تأثیرات مهم و شتابزای فناوری‌های موبایل ارتباطی - اطلاعاتی
۲۹۷.....	۱. کلیات نظری و تاریخی اجمالی
	۲. تأثیرات اینترنت بر جنبش‌های اجتماعی در سال‌های اخیر با تاکید بر
۳۰۰.....	مصر
۳۰۸.....	نتیجه‌گیری و تأملاتی راجع به ماهیت جنبش‌های اجتماعی اخیر
	سخن پایانی: ماهیت انقلابات در خاورمیانه و شمال آفریقا: بهار عربی یا بیداری
۳۱۱.....	اسلامی؟
۳۱۷.....	فهرست منابع فارسی و انگلیسی

پیش گفتار

شاید بتوان گفت که منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا در بین مناطق گوناگون جهان از بالاترین اهمیت برخوردار بوده است به همین دلیل، توجه بسیاری از تحلیل گران در منطقه و جهان را به خود جلب کرده و مقالات و کتاب های فراوانی در ارتباط با این منطقه به رشته تحریر در آمده اند. تا پیش از ژانویه ۲۰۱۱ بیشتر تحلیل گران بر این باور بودند که این منطقه در مقابل دموکراسی به شدت مقاوم و مستثنی خواهد بود. وقوع انقلابات اخیر با عنوان «بیداری اسلام» و «بهار عربی» در این منطقه در تونس، مصر، لیبی، یمن و استمرار آن در بحرین و برخی کشورهای منطقه، بیش از گذشته توجه تحلیل گران را به خود جلب کرده است و به نوبه خود تا حد قابل توجهی در اعتبار دیدگاه های گذشته تردیدهایی ایجاد کرده است.

گرچه مقالات و کتاب های قابل توجهی در ارتباط با سیاست و حکومت در خاورمیانه و نیز ابعاد بین المللی و منطقه ای آن به زبان فارسی به رشته تحریر در آمده اند و در برخی کتاب های منتشر شده در دو سه سال اخیر، موضوعات مربوط به تحلیل جامعه شناختی جنبش های اجتماعی اخیر مورد توجه واقع شده است. با این وجود، تعداد کتاب های مربوط به جامعه شناسی سیاسی خاورمیانه عربی اندک بوده اند و حتی نگارنده با کتابی با عنوان جامعه شناسی سیاسی خاورمیانه برخورد نکرده است. لذا این ضرورت، باعث شد تا نگارنده تالیف این کتاب را مد نظر قرار دهد.

در این کتاب، مهمترین موضوعات جامعه شناختی سیاسی منطقه خاورمیانه عربی با تاکید بر تحولات چند دهه اخیر مورد توجه واقع شده اند. شایان ذکر است که بخشی از مطالب این کتاب، از مقالات چاپ شده من در سال های اخیر در فصلنامه روابط خارجی، فصلنامه راهبرد و فصلنامه مطالعات خاورمیانه - البته با جرح و تعدیل های قابل توجه - برگرفته شده اند.

این کتاب، حاصل چندین سال مطالعه، پژوهش و تدریس در مقطع کارشناسی ارشد علوم سیاسی گرایش مطالعات منطقه‌ای خاورمیانه و شمال آفریقا در دانشگاه شیراز بوده است و به عنوان یک منبع درسی و مطالعه برای درس «فرهنگ، قومیت و ملیت در خاورمیانه، شمال آفریقا و خلیج فارس» و درس «سیاست و حکومت در خاورمیانه، شمال آفریقا و خلیج فارس» تالیف شده است.

خلیل‌اله سردارنیا

دانشیار علوم سیاسی و مطالعات منطقه‌ای دانشگاه شیراز

www.ketab.ir

اصطلاح خاورمیانه برای نخستین بار در سال‌های آغازین سده ۲۰ توسط آلفرد ماهان به کار برده شد. از دید بیشتر جغرافی دانان، اصطلاح خاورمیانه به حوزه جغرافیایی گفته می‌شود که در حد فاصل مراکش تا عربستان و ایران قرار دارد و ۲۲ کشور را شامل می‌شود. برخی افغانستان و پاکستان را نیز جزء خاورمیانه می‌دانند. خاورمیانه شامل ۱۲ کشور با تنوعات قومی - زبانی، مذهبی، فرهنگی و تاریخی است که ۱۵ کشور به شیوه جمهوری (البته عمدتاً اقتدارگرایانه) و هفت کشور با نظام پادشاهی اداره می‌شوند. این منطقه با مساحت حدود دوازده میلیون کیلومتر مربع ۱۰ درصد وسعت کره زمین و با دارا بودن ۳۰۰ میلیون جمعیت ۵ درصد جمعیت جهان را تشکیل می‌دهد.

خاورمیانه به دلیل موقعیت منحصر به فرد استراتژیکی، ژئواکونومیکی و جغرافیایی از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است، به همین دلیل از دیرباز به ویژه از سده ۱۹ به این سو، به شدت مورد توجه قدرت‌های اروپایی بوده است. شایان ذکر است که بخش مهمی از محتوای پیام‌های رسانه‌های جهان معطوف به این منطقه بوده است و به کانون محوری برای تجلی سیاست‌های جهانی و سیاست خارجی قدرت‌های خارجی تبدیل شده است.

در نظریه‌های جدید و قدیم، منطقه خاورمیانه همواره در کانون تفکرات استراتژیک قدرت‌های بزرگ بوده است. این منطقه نقطه تلاقی سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا و کوتاهترین راه هوایی و آبی اروپا و آسیا است؛ به همین دلیل است که از دیرباز مورد توجه قدرت‌های استعماری قدیم و جدید بوده است و از سده ۱۹ به این سو، رقابت قدرت‌های استعمارگر اروپایی در این منطقه تشدید شده است. کشف نفت به عنوان طلای سیاه و کالای استراتژیک بر اهمیت این منطقه به شدت افزود و مفهوم ژئواکونومیک در کنار مفاهیم ژئواستراتژیک و ژئوپلیتیک در ارتباط با اهمیت این منطقه افزوده شد.

این منطقه به دلایل ذیل از جایگاه و اهمیت محوری در سیاست خارجی و امنیت ملی آمریکا برخوردار بوده و در آینده نیز این جایگاه، استمرار خواهد یافت. به اجمال، مهمترین ویژگی‌های جغرافیایی - فیزیکی، اجتماعی و انسانی منطقه خاورمیانه عبارتند از:

(۱) منطقه خاورمیانه، به لحاظ اقلیمی عمدتاً خشک با تابستانی طولانی، زمستان نسبتاً کوتاه مدت و بارش کمتر آن هم در فصل بهار است، البته برخی تنوعات ناچیز اقلیمی در منطقه را نمی‌توان نادیده گرفت.

(۲) ترکیب نژادی و قومی پیچیده، موقعیت منحصر به فردی به این منطقه داده است، در این منطقه شش نژاد گوناگون در کنار هم زندگی می‌کنند که عبارتند از: ایرانی، عرب، افغانی، ترک، آفریقایی و کرد.

(۳) با وجود تنوعات قومی و زبانی، وجود ۹۵ درصد مسلمانان یک عامل وحدت بخش مهم در این منطقه بوده است و این منطقه را به کانون مهم بنیادگرایی و اصول گرایی اسلامی تبدیل کرده است.

(۴) خاورمیانه به دلیل خاستگاه سه دین بزرگ الهی یعنی یهود، مسیحیت و اسلام و به دلیل دیرینه تمدنی بسیار کهن از اهمیت والایی برخوردار بوده است. نخستین تمدن‌ها در هزاره پنجم و چهارم پیش از میلاد در خاورمیانه در بین النهرین به وجود آمده بودند، ظهور شهرها، اختراع خط و پیدایش نخستین شکل از دولت‌ها ارمغان این تمدن‌ها به ویژه تمدن فینیقیه بودند. خاورمیانه، مرکزیت دنیای اسلام را دارد و مقدس‌ترین اماکن اسلامی، عالی‌ترین مکان‌های عبادی و آموزشی و مواریت ارزشمند فرهنگی اسلام در این ناحیه واقع شده و قبله گاه عالم اسلام و کانون مهم چالشگر برای قدرت‌های سلطه گر غربی بوده است. وجود مذاهب گوناگون در این منطقه منبع مهم کشمکش‌های خونین بوده‌اند به طوری که این منطقه یک چهارم کشمکش‌های قومی و مذهبی را به خود اختصاص داده است.

(۵) پیروان سه دین اسلام، یهود و مسیحیت با تنوعات گوناگون در منطقه حضور دارند. مسلمانان شامل گروه‌های مذهبی گوناگون (سنی با چهار فرقه و شیعه با چند فرقه) همراه با گرایش‌ها و جهت گیری‌های ایدئولوژیک گوناگون (سنت گرا، بنیادگرای تندرو، نوگرا و لیبرال) هستند. مسیحیان نیز از گروه‌های گوناگون (ارتدوکس

ارمنی، مارونی، قبطی، انگلیکان، پروتستان و کاتولیک) تشکیل شده اند. از حیث جمعیتی، مسلمانان ۹۳ درصد، مسیحیان کمتر از ۳ درصد، یهودیان کمتر از ۲ درصد و مذاهب دیگر کمتر از ۳ درصد جمعیت این منطقه را تشکیل می‌دهند. (ابوالحسن شیرازی و دیگران، ۱۳۹۱، صص ۲۳-۲۲)

۶) موقعیت منحصر به فرد جغرافیایی خاورمیانه از ویژگیهای مهمی برخوردار است که عبارتند از:

الف) تلاقی سه قاره اروپا، آسیا و آفریقا (ب) وجود سه تنگه بسیار مهم استراتژیک هرمز (ارتباط دهنده خلیج فارس، دریای عمان و اقیانوس هند)، تنگه بسفر و داردانل که دریای سیاه را به دریای اژه مرتبط می‌سازد (ج) وجود کانال سوئز که باعث اتصال اقیانوس اطلس به اقیانوس هند از طریق دریای مدیترانه، دریای سرخ و دریای عرب گردیده و مسافت دریایی اروپا، آمریکا، خاورمیانه و آسیا را بسیار کاهش داده است.

۷) وجود ۵۷ درصد ذخایر نفت و گاز، تنگه هرمز و نقطه تلاقی بودن بین سه قاره اروپا، آسیا و آفریقا به مثابه چهار راهی برای داد و ستد علمی و تجاری از دیگر ویژگی‌هایی هستند که به این منطقه اهمیت منحصر به فرد ژئواکونومیک، ژئوپلیتیک و استراتژیک داده‌اند. عربستان به تنهایی بیش از ۲۵ درصد و عراق ۱۱ درصد ذخایر نفتی جهان را دارند و گفته می‌شود حدود ۹۰ درصد از منابع نفتی عراق هنوز شناخته نشده‌اند. خاورمیانه پس از روسیه با دارا بودن بیش از ۳۰ درصد ذخایر گاز جهان، رتبه دوم جهانی را دارد.

۸) درگیری‌های نظامی اعراب و اسرائیل و استمرار تیرگی در روابط بیشتر کشورهای عربی با رژیم صهیونیستی نیز به این منطقه اهمیت خاصی داده و توجه رسانه‌ها را به خود جلب کرده است. همین طور، اختلاف بر سر منابع آبی نیز منبع کشمکش‌ها در گذشته بوده است و گفته می‌شود در آینده منابع محدود آبی، مهمترین منبع کشمکش خواهند بود. مهمترین اختلاف‌ها بر سر منابع آبی عبارتند از: الف) بین مصر، سودان و اتیوپی در مورد مسیر رود نیل، ب) بین ترکیه، سوریه و عراق بر سر رود فرات و ج) بین اردن، سوریه و رژیم اشغالگر قدس.

۹) وجود سه ناسیونالیسم مهم ایرانی، ترکی و عربی، جنگ و درگیری‌های مرزی بین کشورهای منطقه و سرسپردگی برخی کشورهای منطقه به قدرت‌های بزرگ نیز در ارتباط با این منطقه شایان ذکر هستند.

۱۰) منازعات دو ابر قدرت در دوره جنگ سرد و استمرار رقابت‌ها در خاورمیانه پس از جنگ سرد نیز اهمیت قابل توجهی به این منطقه داده است.

۱۱) در یک نگاه بسیار اجمالی به سپهر سیاسی و حکومت در خاورمیانه بایستی گفت که دو دسته از نظام‌های سیاسی را می‌توان در این منطقه از هم تفکیک کرد که عبارتند از: نظام‌های سلطنتی و نظام‌های جمهوری. نکته شایان ذکر آن است که گرچه نظام‌های جمهوری (البته از نوع اقتدارگرا) با نظام‌های پادشاهی در شیخ‌نشین‌های خلیج فارس برخی تفاوت‌های قابل توجهی از حیث نوع نظام اقتصادی، گروه بندی‌های اجتماعی و سیاسی و برخی نهادهای سیاسی دارند، با این وجود، در هر دو نوع نظام‌های سیاسی یاد شده در خاورمیانه می‌توان شباهت‌های قابل توجهی یافت که عبارتند از: وجود میراث قابل توجهی از سنت‌های امپراطوری و پادشاهی، شخصی و عشیره‌ای بودن حوزه سیاست، ضعف شدید نهادهای مدنی، سرکوبگری حکومت، فساد ساختاری و ریشه دار، تقدم بنیان‌های عشیره‌ای، قبیله‌ای و سنتی جامعه بر بنیان‌های مدنی، نبود نظام حزبی و مدنی رقابتی واقعی و قاعده مند و تاثیرگذار بر سیاست، چیرگی فرهنگ تابعیت بر فرهنگ مشارکتی، در حاشیه بودگی زنان در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، سطح بسیار پایین حقوق شهروندی به ویژه در ارتباط با زنان و از این قبیل.

یکی از مباحث مهم در حوزه جامعه‌شناسی سیاسی خاورمیانه، وجود و استمرار تعارضات قومی - زبانی و مذهبی در قریب به اتفاق این کشورها است، این تعارضات باعث شده‌اند که تکوین هویت ملی مستحکم با دشواری‌های جدی مواجه شده و به تأخیر افتد. پیش از سقوط امپراتوری عثمانی، اصلی‌ترین تعارض‌ها در خاورمیانه بزرگ همانا تعارض و ضدیت عرب‌ها با استیلای قدرت‌های استعماری غرب در سده ۱۹ از یک سو و تعارض هویت عربی با هویت ترکی و پان ترکیسم از ۱۹۰۸ میلادی به این سو بود.

برخی خاستگاه ناسیونالیسم عرب را به دوران حکومت محمد علی پاشا بر جامعه نیمه مستقل مصر، ضدیت وی با سلطه فرانسوی‌ها و انگلیسی‌ها و اندیشه ایجاد یک حکومت متحده عربی در مناطق عرب زبان امپراطوری عثمانی در نیمه نخست سده ۱۹ نسبت می‌دهند. نکته شایان ذکر آن است که تعارضات و جنبش‌های ضد استعماری و ضد ترک‌های عثمانی (ناشی از ضعف و ناتوانی عثمانی‌ها در مقابل تهاجم غرب و پان ترکیسم رادیکال ضد عرب در ترک‌های جوان) بیشتر جنبه میهن پرستی احساسی داشت تا ناسیونالیستی در مفهوم مدرن آن.

با تشکیل حکومت ترک‌های جوان در ۱۹۰۸ ناسیونالیسم شکل معینی به خود گرفت. پس از این رویداد، تعارض هویت عربی یا هویت ترکی به صورت جدی شروع شد و ناسیونالیسم عربی شکل سیاسی و نیز احساسی به خود گرفت. البته پیش از تشکیل حکومت ترک‌های جوان در نیمه دوم سده ۱۹، روشنفکران عرب به ویژه روشنفکران مسیحی مانند پطرس بوستانی، ناصیف یازنجی، نجیب غزوری (مسیحی) و روشنفکر مسلمان عرب یعنی کواکبی ایده استقلال سیاسی عرب‌ها و تشکیل حکومت متحده عربی را در مخالفت با حکومت ضعیف عثمانی و در مقابله با نفوذ ناسیونالیست‌های ترک‌های جوان در حکومت عثمانی در عصر اصلاحات طرح کرده بودند.

تشکیل حکومت ترک‌های جوان در ۱۹۰۸ و به تبع آن، شوونیسم ضد عربی سکولار و پان ترکیسم منجر به سیاسی شدن ناسیونالیسم در جوامع عربی و تشدید آن شد و به تشکیل انجمن‌ها و حرکت‌های جدایی طلبانه انجامید البته انگلستان نیز در تحریک این حرکت‌ها در عراق و در منطقه حجاز با حمایت از شریف حسین بی‌تأثیر نبود. پس از سقوط امپراتوری عثمانی، نیروها و قدرت‌های خارجی و فراملی به شکل مستقیم و در قالب قیمومیت در تشکیل دولت‌های جدید درگیر شدند، لازم به ذکر است که پیش از سقوط این امپراطوری، دو دولت انگلستان و فرانسه بر طبق قرارداد سایکس - پیکو در ۱۹۱۶ مقدمات این دخالت‌ها را فراهم و طرح‌ریزی کرده بودند.

دو قدرت استعماری به طور مستقیم و به شکل نفاق افکنانه بدون توجه به هویت‌های قومی - زبانی و مذهبی با یک مرزبندی مصنوعی، کشورهای امروزی در خاورمیانه عربی را تشکیل دادند. مهمترین پیامدهای این دخالت‌های شوم عبارت بودند

از: شکل‌گیری و استمرار تعارض‌های جدی هویتی در ابعاد مذهبی و قومی - زبانی در درون جوامع و دولت‌های چند پاره قومی و مذهبی، جنگ و درگیری بین کشورها و استمرار دخالت و حضور قدرت‌های خارجی در منطقه تا به امروز. شروع و تشدید خشونت‌های قومی و مذهبی در عراق از سقوط صدام به بعد یکی از بهترین مثال‌ها در این ارتباط است.

یکی دیگر از تعارض‌های هویتی در منطقه خاورمیانه، تعارض بین هویت عربی و یهودی است، پس از اعلامیه بالفور در ۱۹۱۷ استعمار انگلستان در ایجاد و گسترش این تعارض، نقش مهم و مستقیمی داشت. گرم‌تر شدن این تعارض در کنار تعارض‌های هویتی دیگر با نقش‌آفرینی مستقیم قدرت‌های استعماری باعث شده است که خاورمیانه تا به امروز یکی از کانون‌های مهم بحران، خشونت‌های فرقه‌ای، مذهبی و قومی، بی‌ثباتی و استمرار دخالت و حضور قدرت‌های خارجی با انگیزه‌های دروغین مانند دموکراسی خواهی و صلح و ثبات باشد.

از دهه ۱۹۵۰ به این سو، کشورهای عربی خاورمیانه به ویژه در جوامع با نظام‌های سیاسی جمهوری شاهد ظهور پان عربیسم یا هویت فراگیر عرب و عمدتاً سکولار بودند، در ظهور این هویت فراگیر عربی چند عامل تأثیرگذار بودند که عبارتند از:

الف) سیطره سیاسی، نظامی و فرهنگی غرب بر منطقه و خطرات تلخ دوران قیومت ب) ظهور جنگ سرد ایدئولوژیک بین اتحاد شوروی و غرب، نفوذ گسترده سیاسی و ایدئولوژیک شوروی در منطقه، تأثیر پذیری روشنفکران عرب از آن کشور و تمایل آنها به رادیکالیسم و سکولاریسم ج) خیانت انگلستان به اعراب با انعقاد قرارداد سایکس پیکو و تحکیم قیومیت بر این کشورها د) تشکیل دولت غاصب اسرائیل پس از جنگ جهانی دوم.

لازم به ذکر است که پان عربیسم غالب بر دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰ عمدتاً بر محوریت قومیت عرب و در مرحله ثانوی بر مبنای دین اسلام بود؛ ایدئولوژی حزب بعث عمدتاً بر مبنای تفسیر قومیت گرا از دین اسلام بود. تشکیل جمهوری کوتاه مدت عربی متحده از دو کشور مصر و سوریه تجلی عینی این ایدئولوژی بود، البته برخی دولت‌ها از جمله شیخ‌نشین‌های خلیج فارس همچنان محافظه کار و متحد با غرب باقی ماندند. در مجموع، در این دوره، تحت تأثیر عوامل فوق به ویژه جنگ سرد، هویت‌های ایدئولوژیک نیز به تعارض‌های هویتی پیشین در منطقه اضافه شدند.

از نیمه دوم دهه ۱۹۷۰ به ویژه از دهه ۱۹۸۰ به این سو، هویت اسلامی و دینی در شکل اسلام سیاسی و بنیادگرایی رادیکال به جریان اجتماعی اصلی و نیرومند در بسیاری از کشورهای عربی خاورمیانه تبدیل شد. در بررسی تاریخی واکنش‌ها در خاورمیانه سه تقسیم‌بندی می‌توان طرح کرد که عبارتند از: مرحله نخست، واکنش استقلال طلبی (عصر استعمار)، مرحله دوم، واکنش ملی‌گرایی پس از استقلال و مرحله سوم، واکنش فرهنگی در مقابل استیلای جهانی لیبرال دموکراسی غرب و دولت‌های سکولار وابسته به آن در خاورمیانه از نیمه دوم دهه ۱۹۷۰ به این سو.

در مرحله سوم، جریانات اسلام‌گرا چه در شکل رادیکال و چه در شکل میانه رو، حکومت‌های سکولار را از یک سو در خدمت اهداف لیبرال دموکراسی و اقتصاد نولیبرال غرب و سلطه فرهنگی و سیاسی آن نظام‌ها بر جوامع اسلامی معرفی کردند؛ از سوی دیگر، این دولت‌ها را در مدیریت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی این جوامع، ناکام تلقی کرده و فساد، تبعیض، سرکوبگری، بحران‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، تضاد طبقاتی و نارضایتی توده‌ها و طبقات متوسط را از پیامدهای عملکرد چنین حکومت‌هایی تلقی کرده‌اند. جریانات رادیکال اسلام‌گرا معتقد به ساقط کردن چنین حکومت‌هایی از رهگذر جنبش‌های اجتماعی رادیکال و انقلابی بوده‌اند؛ اما جریانات میانه رو خواستار مبارزه با روش‌های مسالمت‌آمیز و کمتر خشونت‌آمیز با تکیه بر آگاهی بخشی به توده‌ها و طبقات مختلف بوده‌اند.

یکی از مباحث مهم در ارتباط با جامعه‌شناسی سیاسی خاورمیانه، پایداری حکومت‌های اقتدارگرای سنتی و موروثی است. در شیخ‌نشین‌های خلیج فارس عوامل ذیل در پایداری اقتدارگرایی در مقابل دموکراسی از ربع واپسین سده ۲۰ به این سو تاثیر گذار بوده‌اند:

الف) ساخت قدرت سیاسی پدرشاهی (پاتریمونیالیسم) ب) ساخت اجتماعی قبیله‌ای (پیرسالاری) و فرهنگ تابعیت ریشه دار و تاریخی برآمده از آن دو (ج) ساخت اقتصاد رانتی (د) و به تبع آنها ضعف نهادهای مدنی و جریانات عرفی و مذهبی نوگرا.

تا پیش از ژانویه ۲۰۱۱ در جمهوری‌های اقتدارگرای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا آمیزه‌ای از اقتدارگرایی، حکومت‌های موروثی، شخصی و الیگارشیک و شبکه‌های فاسد حامی - پیرو باعث شده‌اند که در وضعیت نیمه دموکراتیک باقی بمانند.

البته از اواخر دهه ۱۹۸۰ به ویژه از دهه ۱۹۹۰ به این سو، برخی از کشورهای عربی خاورمیانه همچون اردن، کویت و مراکش تا حدی به سمت آزادسازی سیاسی حرکت کردند و در بیشتر کشورهای منطقه، انتخابات پارلمانی و انتخابات شوراهای شهری - البته به صورت محدود و غیر رقابتی - برگزار شده است.

از ژانویه ۲۰۱۱ به این سو، کشورهای عربی خاورمیانه و شمال آفریقا شاهد جنبش‌های اجتماعی فراگیر بوده اند، این جنبش‌ها را می‌توان از زاویه بیداری اسلامی و دموکراسی خواهی در چارچوب دین اسلام و شرایط بومی و فرهنگی خاورمیانه تفسیر و توضیح داد؛ پیروزی جریان اسلامگرای النهضة در انتخابات تونس و پیروزی اخوان المسلمین در انتخابات پارلمانی مصر می‌تواند دو مصداق بارز در این خصوص باشند. حضور قابل توجه نمایندگان وابسته به جریانات اسلامی و شبکه‌های اخوان المسلمین در پارلمان کشورهای عربی خاورمیانه به ویژه دوبار پیروزی حزب عدالت و توسعه در ترکیه نیز در این راستا قابل توجه هستند.

انقلاب تونس به عنوان عامل شتابزا در وقوع انقلابات علیه حکومت‌های اقتدارگرا در شمال آفریقا و تعدادی از کشورهای عربی خاورمیانه عمل کرد، این حرکت‌ها در بیش از دو سال اخیر در خلاء شکل نگرفته‌اند بلکه ریشه در چالش‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی انباشته شده در چند دهه اخیر دارند. انقلاب تونس و سپس سقوط حسنی مبارک در مصر در حکم عامل شتابزا برای شعله ور کردن آتش زیر خاکستر در بحرین، یمن و کشورهای دیگر عمل کرد.

مهمترین چالش‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی موثر بر وقوع جنبش‌های اجتماعی یا انقلابات اخیر در خاورمیانه و شمال آفریقا عبارتند از:

۱. ساختار اقتدارگرا، پدرشاهی، الیگارشیک و موروثی قدرت سیاسی
۲. سرکوب اپوزیسیون و تضعیف شدید نهادهای مدنی
۳. فساد اقتصادی و شبکه‌های فاسد حامی - پیرو
۴. توزیع نابرابر درآمدها و تضاد طبقاتی
۵. هزینه‌های بالای نظامی و دفاعی
۶. تغلب‌های آشکار در انتخابات یا نبود انتخابات
۷. تعداد بالای زندانیان سیاسی و نقض آشکار حقوق شهروندی

۸. تبعیض‌های جنسیتی علیه زنان و نقض آشکار حقوق شهروندی آنان
۹. چالش‌های ناشی از جمعیت فزاینده و ناتوانی اغلب حکومت‌ها در تأمین شغل، خدمات و مسکن مطلوب برای جمعیت فزاینده و رو به رشد
۱۰. افزایش سرسام آور قیمت‌ها و هزینه‌های خدمات به ویژه در کشورهای غیر نفتی

۱۱. گسترش طبقه متوسط جدید در چند دهه اخیر

۱۲. گسترش آگاهی‌های سیاسی، اجتماعی، باورها و نگرش‌های دموکراتیک

۱۳. استمرار وابستگی حکومت‌ها به قدرت‌های خارجی

۱۴. ناکارآمدی اغلب حکومت‌های عربی در زمینه حکمرانی و ارائه خدمات.

یکی از نکات بسیار مهم در تحلیل جامعه شناختی جنبش‌های اجتماعی اخیر آن است که شاید برای نخستین بار، بدنه اجتماعی متشکل از توده‌ها و اقشار مختلف در کنار روشنفکران، جریان‌ات و احزاب سیاسی اسلامگرا و ملی گرا برای ساقط کردن رژیم‌های اقتدارگرا در جنبش فراگیر شرکت کردند. گفته می‌شود حضور نسبتاً خودآنگیخته توده‌ها و جوانان در این انقلابات باعث تغییر در ادبیات انقلاب‌ها و جنبش‌های اجتماعی با تاکید بر انقلاب‌های فاعل رهبری شد.

در این کتاب، نگارنده بر این قصد نبوده است که جامعه شناسی سیاسی تک تک کشورهای منطقه را مورد بررسی قرار دهد بلکه تلاش کرده است که بخش قابل توجهی از موضوعات جامعه شناختی سیاسی منطقه با تاکید بر ظرف زمانی چهار دهه اخیر را در سه بخش ارائه کند که عبارتند از:

الف) بحران دولت - ملت سازی و خشونت‌های قومی و مذهبی در منطقه

ب) تحلیل جامعه شناختی موانع دموکراسی در منطقه

ج) تحلیل جامعه شناختی جنبش‌ها یا انقلابات اخیر در خاورمیانه و شمال آفریقا

در این کتاب، مهمترین موضوعات مورد بحث عبارتند از: دولت - ملت سازی در خاورمیانه و علل ناکامی آن، موانع دموکراتیزاسیون در منطقه، چالش‌های سیاسی و اقتصادی و روند آزاد سازی سیاسی، موانع حقوق شهروندی زنان، تحلیل جامعه شناختی جنبش‌های اجتماعی اخیر در خاورمیانه و شمال آفریقا، تحلیل پارادایمی اسلام سیاسی از دهه ۱۹۷۰ به این سو، طبقه متوسط جدید و چالش‌های سیاسی حکومت

سعودی از سوی این طبقه، تحلیل پایداری اقتدارگرایی در مصر تا سال ۲۰۱۱، تحلیل خشونت‌ها در عراق با رویکرد جامعه‌شناختی و تحلیل ماهیت جنبش‌های اجتماعی اخیر، بهار عربی یا بیداری اسلامی یا ترکیبی از هر دو؟

www.ketab.ir